

LEADERS AND AGENTS' ATROCITIES

<http://www.ghandchi.com/333-Leaders-plus.htm>

رهبران و جنایات مأمورین

سام قندچی

این موضوع تازه ای نیست که مأموران امنیتی رژیم، نظیر **ساواک** رژیم شاه یا **وواک** جمهوری اسلامی، در سیاهچالها، مخالفین را شکنجه و اعدام کنند، و رهبران کشور در مصاحبه های مطبوعاتی خود، با لبخند از بی اطلاعی خود از چنین وقایعی سخن گویند. همچنین این هم چیز تازه ای نیست که دولت هائی نظیر دولت بوش، از دموکراسی و آزادی سخن گویند اما جنایات ارتش در **عراق** را، با تأیید ضمنی مقامات بالا، انجام دهند، نظیر دوران جنگ ویتنام.

جنایت هولناک اسلامگرایان در گردن زدن **نیک برک** آمریکائی، و مصاحبه های مطبوعاتی آیت الله ها، رهبران مذهبی حامی اسلامگرایان، و دولت های طرفدار اسلامگرایان، از جمله جمهوری اسلامی ایران، بدون احساس مسولیت آنان در باره چنین جنایاتی نیز، چیز تازه ای نیست، و چه قبل و چه بعد از 11 سپتامبر شاهد آن بوده ایم، و همه فتوای قتل **سلیمان رشدی** توسط آیت الله خمینی را به یاد داریم. و همه اینگونه جنایات را پیش از اسلامگرایی، فاشیسم و یا کمونیسم چه قبل و چه بعد از تسویه های زمان استالین، به دنیا عرضه کرده اند.

رهبران اپوزیسیون خارج از قدرت نیز، نظیر **سلطنت طلبان** ایران و رهبران **مجاهدین خلق**، مأمورین خود را به محافل گوناگون میفرستند، و هر حمله *شخصی* به رهبران و نیروهای سیاسی مخالف خود را از طریق آن مأمورین، انجام میدهند؛ و وقتی خود نظیر گذشته، در مصاحبه های مطبوعاتی با خبرنگاران لبخند میزنند، و از چنین رفتاری در رابطه با نیروهای دموکراسی طلب، اظهار بی اطلاعی میکنند، البته تفاوت **سلطنت رسمی و غیر رسمی ایران** هم چیز تازه ای نیست.

آنچه تازه است این است که در زمانی که اینترنت امکان آنرا بوجود آورده است، که رهبران جریانات سیاسی در مقابل مردم مستقیماً جوابگو باشند، این رهبران خود را در هزار قلعه از مردم مخفی میکنند، و فکر میکنند که مردم نمیدانند که مخفی شدن اینها از رژیم نیست، بلکه از حساب پس دادن به مردم است.

در گذشته بسیاری از رهبران گروههای سیاسی که در نزدیکی محافل مردمی زندگی میکردند، این نوه را ایجاد میکردند که گویی در کوه و کمنند در مبارزه هستند، و به این دلیل به جلو نمیایند، که مسولیت بگیرند. امروز اگر رضا پهلوی یا مریم رجوی حتی اگر در کوه و کمنند هم باشند، میتوانند از اینترنت به مردم جواب دهند. چطور وقت دارند که با خبرنگاران بی اهمیت صحبت کنند، اما به ایرانیان وقت پاسخ گویی ندارند!

من بارها در گذشته به رضا پهلوی و دیگر رهبران سلطنت طلب، و نیز به رجوی ها و رهبران دیگر مجاهدین، خاطر نشان کرده ام که از امکان نام مستعار در شبکه اینترنت برای گسیل مأموران خود، و حمله به نیروهای دموکراسی خواه ایران استفاده نکنند، و به عوض نظیر نیروهای دموکراسی خواه، از امکانات اینترنت برای جوابگویی مستقیم به مردم استفاده کنند. ولی در عمل باز در حرف، رضا پهلوی و مجاهدین از اعمال مأمورین خود اظهار بی اطلاعی میکنند، در صورتیکه جریانات وابسته به آنها، نظیر تلویزیون آزادی، که کارش حمله به شخصیتهای جنبش دموکراسی خواهی ایران است، به روش های دوران شاه و ساواک ادامه میدهند.

مأمورین رضا پهلوی و مجاهدین به تالارهای بحث مستقل میایند، و با نام مستعار به رهبران نیروهای دموکراسی خواه فحش های رکیک میدهند، تا آنها را وادار به پاسخ مشابه کنند و از اعتبار آنان بکاهند، زمانیکه رضا پهلوی و مریم رجوی خیلی مودب و زیبا، در مصاحبه های از پیش تعیین شده، مشغول روابط عمومی هستند.

در واقع این مأمورین از مودب بودن و آزاد بودن تالارهای مستقل سو استفاده کرده، و با استفاده از امکان نام های مستعار در اینترنت، رهبران جنبش را که با نام واقعی در آن مکانها، نظرات سیاسی خود را طرح میکنند، هدف قرار داده و بحث های سیاسی را منحرف میکنند، و نظیر شعبان بی مخ کسانی را که از قبل هدف قرار داده اند، تحت ظاهر دعوی *شخصی* مورد حمله قرار میدهند. رهبران این جریانات شرکت نمیکند، که پاسخ گو باشند، و در عوض خیلی تمیز و زیبا، در مصاحبه با فاکس نیوز حرف میزنند، و مأمورانشان نظیر ساواک زمان شاه، برایشان دیگران را مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

من ترجیه میدهم که خود رضا پهلوی و مریم رجوی بیابند، و همان فحش های مأمورینشان را بدهند. ظاهر مودب رهبران سیاسی چه سودی دارد، وقتی مأمورینشان در خفا، مخالفین را مورد حمله *شخصی* قرار میدهند اینگونه حملات در خفا، به شکنجه و قتل های زمان شاه و جمهوری اسلامی انجامید، و چه بسیار نابود شدند.

من مشخص کرده ام که این افراد مأمورین جمهوری اسلامی نیستند، که خود را طرفدار سلطنت یا مجاهدین نشان داده، و به این اعمال دست میزنند، و همه شان مستقیماً از جریانات سلطنت طلب و مجاهدین هستند. در مورد تلویزیون آزادی که این واقعیت بر همه عیان است.

من فکر میکنم در همه این جمع ها، بایستی حملات مأمورین رضا پهلوی و مریم رجوی را، با پاسخ مشابه به رضا پهلوی و مریم رجوی انجام داد، و نه پاسخ به نام های مستعار بی معنی. در نتیجه پاسخ مشابه در *دفاع از خود*، بنظر من حق شرکت کنندگان برای دفاع از خود است، تا به روزی نرسیم که دوباره اینها با گلوله بما حمله کنند، و مجبور شویم دفاع از خود را، در مقابل گلوله آنها، انجام دهیم. از دفاع از خود در تالارهای بحث کسی نمرده است.

چرا رضا پهلوی و مریم رجوی از شرکت در این جمع ها میترسند؟ اگر از فحش میترسند که مأمورین آنها صد برابرش را با سو استفاده از آزادی در این جمع ها به دیگران داده اند. اینترنت امکان شفافیت را برای همه نیروهای سیاسی فراهم کرده است. من نامطبوع ترین رهبرانی که حاضر باشند در تالارهای بحث آزاد شرکت کنند را، به متخصصین روابط عمومی، نظیر رضا پهلوی که زیبا در تلویزیون هستند، ترجیح میدهم.

تالارهای بحث خود سلطنت طلبان و مجاهدین خالی است. مردم به محافل آزاد مستقیم در اینترنت میروند، و هجوم مأمورین سلطنت طلب و مجاهدین به این تالارها، برای حمله شخصی به شخصیت های جنبش دموکراسی خواهی است، حمله به آنهایی که مستقیماً به مردم پاسخ میگویند، و این هم نشانه دیگری است که خودسلطنت طلبان و مجاهدین هم فهمیده اند، که مردم ایران با سلطنت و مجاهدین مخالفند.

اگر آمریکا بخواهد نظیر 28 مرداد این نیروها را در ایران به قدرت برساند، من فقط بایستی نظیر آنچه در گذشته نوشتم بگویم که سلطنت طلبان و مجاهدین بزرگترین بدهی آمریکا هستند.

جنبش دموکراسی خواهی ایران دیگر نظیر سالهای 1329-1332 و 1357-1360 نبایستی اجازه بدهد که شعبان بی مخ ها و الله کرم ها از انسانیت و مودب بودن ما استفاده کنند، و با سو استفاده از آزادی، آزادی را نابود کنند.

برای نیروهای دموکرات، در صبحگاه بعد از سقوط رژیم جمهوری اسلامی، مهمترین کار برقراری دموکراسی *نیست*، بلکه نظیر دوران مصدق و سال اول پس از انقلاب 1357، *حفاظت* از دموکراسی در برابر شعبان بی مخ ها و الله کرم هاست، که ضامن بقای دموکراسی خواهد بود.

نیروهای سلطنت طلب امروز پس از آنهمه جنایت زمان شاه، شعبان بی مخ را که به آسودگی در لوس آنجلس نشسته، به چهره محبوب خود بدل کرده اند و این هم نشان میدهد برای آینده ایران بعد از احیا سلطنت چه در نظر دارند. افسانه سلطنت دموکراتیک برای ایران رویایی بیش نیست.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر

ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

31 اردیبهشت 1383

May 19, 2004

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/333-LeadersEng.htm>

مقالات دیگر مربوط به موضوع

<http://www.ghandchi.com/index-Page15.html>

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>